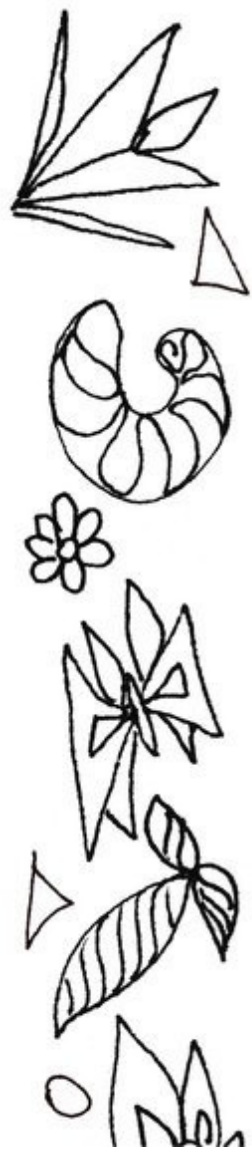


# رنگ های طبیعت

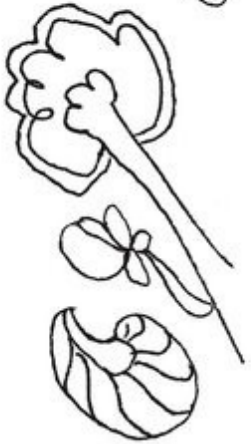


نویسنده: بلبیل شرما

مشرح: بلبیل شرما



من شاهپرک آبی را میبینم که خدا  
حافظی می کند.



من زنبور عسل زرد را میبینم از پیاله چای  
مینوشد.



من ماهی سرخ را در  
دیگ میپزیم.



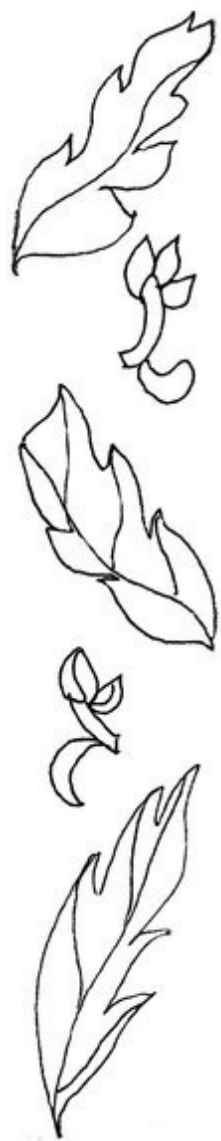
من بقه سبز را میبینم که با سگ کوچک  
(پاپی) بازی می کند.



من مرغابی نارنجی را  
میبینم که به من آرزو  
موفقیت می کند.



من یک گل بنفش  
میبینم که با کرم پيله  
رقص می کند.

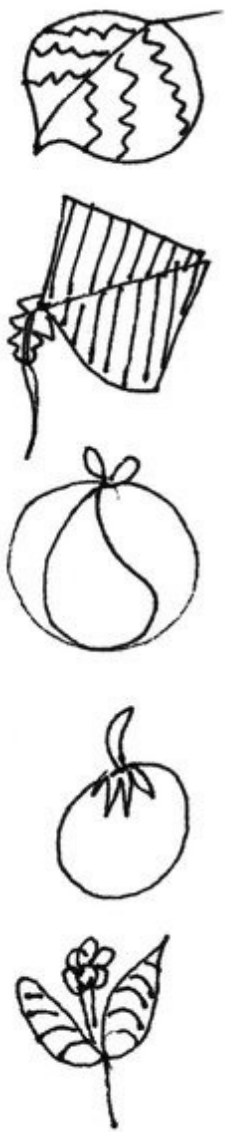


من یک پشک خاکستری و  
سیاه میبینم که یک کلاه  
نارنجی میپوشد.

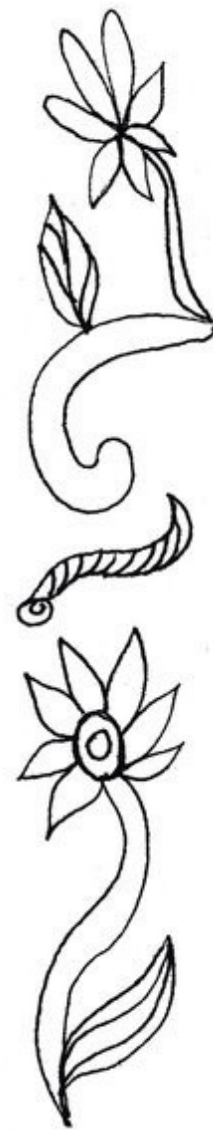
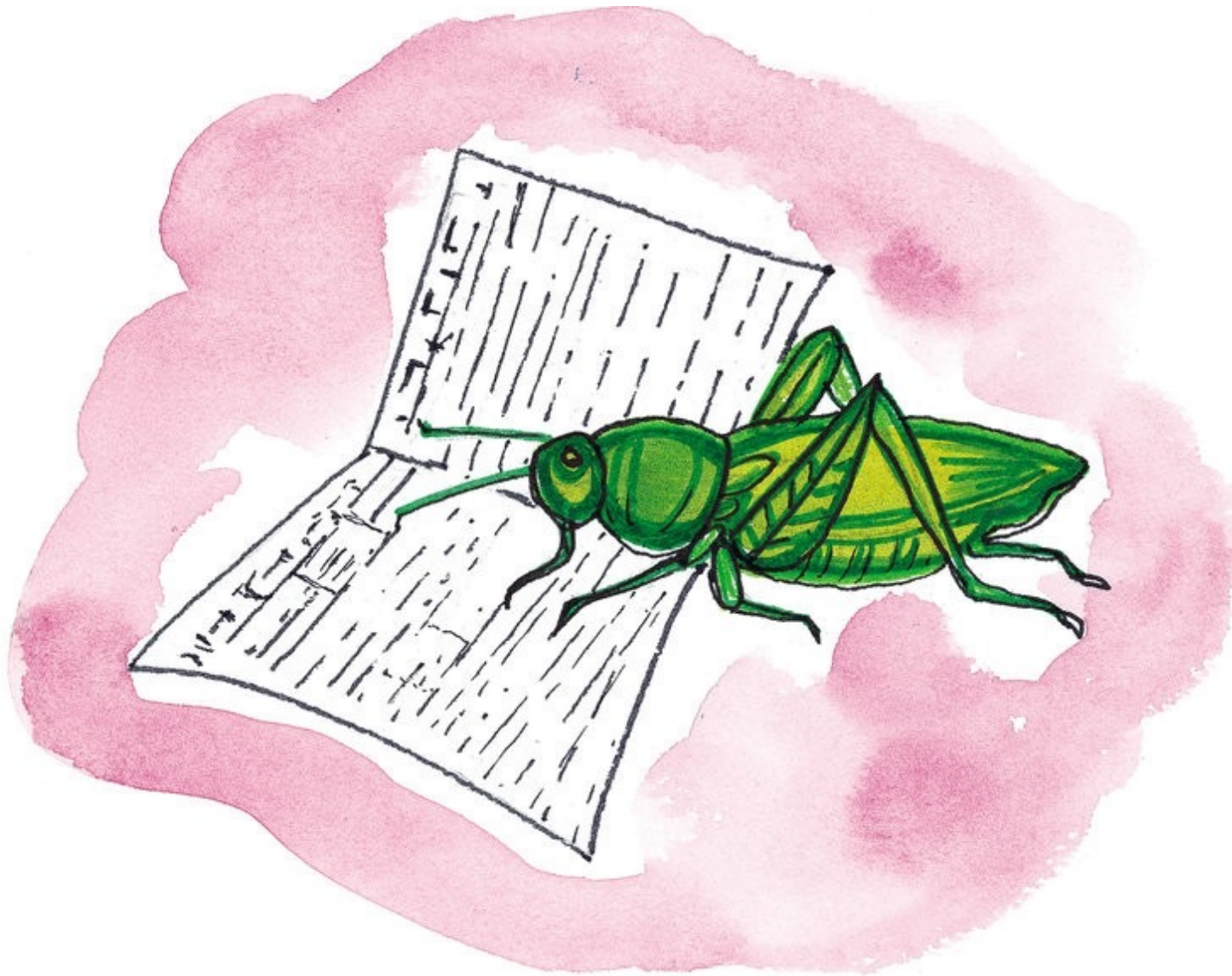




من یک موش خاکستری و قهوه ای  
میبینم که در یک خانه کلابی  
پنهان می شود.



من یک روبا سرخ و سیاه میبینم  
که جوراب های بادنجانی  
میپوشد.



من یک ملخ سبز میبینم که یک روزنامه  
سیاه و سفید را می خواند.



من یک بز سیاه و بادنجان  
می بینم که در یک کشتی  
سرخ کشتیرانی می کند.



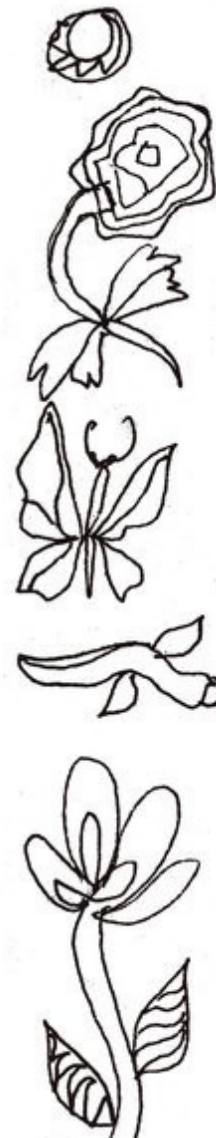
من یک تمساح سبز و قهوه ای  
میبینم که طرف من خنده  
می کند.



من یک مار سیاه و آبی میبینم  
که یک توتہ کیک میخورد.



من یک مرغ سرخ و زرد  
میبینم که با قلم  
مینویسد.



من یک ببر سیاه و نارنجی میبینم  
که در آب ایستاده است.





من با دو چشم سیاه خود  
میبینم که تمام رنگ ها پرواز  
می کنند.

## سوالات رهنمودی

۱. کدام رنگها را آن دختر میتواند با چشم های خود ببیند؟
۲. کدام حیوانات در این داستان شامل هستند؟ آیا شما این حیوانات را می شناسید؟ آیا این حیوانات را دیده اید؟ کجا؟
۳. حیوان دلخواه شما کدام ها اند؟ چرا؟
۴. رنگ دلخواه شما چه رنگ است؟ شما رنگ دلخواه خود را در کدام قسمت طبیعت مشاهده می کنید؟